

بیانیه

نهضت آزادی ایران



پیرامون

دستگیری سران حزب خائن توده

نهضت آزادی ایران

۱۳۶۲/۲۲۰



بیانیه نهضت آزادی ایران پیرامون دستگیری سران حزب خائن توده

ناشر : نهضت آزادی ایران

تیراژ : ۱۰/۰۰۰ جلد

چاپ اول - بهار ۱۳۶۲

مرکز پخش : خیابان استاد مطهری - نرسیده به چهار راه مبارزان - پلاک

۲۳۴ و یا صندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹ - تلفن ۸۳۳۷۵۷

بیانیه نهضت آزادی ایران پیرامون دستگیری سران حزب خائن توده

خانه را از رسوبات مارکسیستی پاکسازی کنیم

حزب توده در قالب مثالهای قرآن

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ
الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ
الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.

مَثَل کسانی که جز خدا اولیائی برگرفتند (وابسته و سرسپرده
قدرتهای دیگر شدند) همانند مَثَل عنکبوت است که خانه ای
بگرفت، و بیگمان سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است،
ای کاش میدانستند (عنکبوت آیه ۴۱).

سرانجام تشکیلات آهنین! حزب طراز نوین! بعد از چهل سال بند و
بست و فریب و خیانت همچون تار عنکبوتی بستی فرور یخت و بند بازان
باز یگرش که عمری جوانان بی خبر را اسیر و مسحور دامها و تارهای تبلیغاتی و
تشکیلاتی خود کرده بودند بزمین ذلت سقوط کردند. اینان که عمری شیر
جان و ایمان طعمه های خود را مکیده نجات و بهروزی خلق را ادعا میکردند
وقتی دفتر اعمالشان گشوده شد و رازها برملا گردید ناگزیر با اعتراف و اقرار
شده بگوشه ای از خیانت های خود اشاره کردند. درحالی که تصور میکردند با

وابستگی به ابرقدرت شمالی و کمونیسم بین الملل به حصن حصینی تکیه کرده اند که رخنه ای در آن نمی رود و از پس دیوارهای آهنین چیزی درز نمی کند! اما هم از تاریخ انقلابات دنیای سوم و عملکرد ارباب در رابطه با احزاب برادر! غافل بودند و هم از عنکبوتی بودن این تارهای وابستگی و سرانجام تکیه به اربابان دنیائی. کاش میدانستند بنا کردن تشکیلاتی با مصالحی پوشالی دوامی بیش از دام عنکبوت ندارد (لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ).

این تجربه عبرت آور در مشابهت با مثالی که قرآن تصویر کرده باید برای دانایان و عقلهای تحلیل گر هدایت کننده باشد و به ریشه یابی علت های این گمراهی و انحراف همت گمارند.

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاصِرِيكَ لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ.

این مثالها را ما برای مردم میزنیم و جز دانایان آنرا تعقل نمی کنند (عنکبوت ۴۳).

اما متاسفانه رهبران گمراه و گمراه کننده این جریان وابسته یا نفهمیدند یا نخواستند بفهمند که ریشه و اساس این گمراهی از دستگاه فکری آنها است. گرچه همیشه از روابط زیربنائی داد سخن میدادند اما خود در تحلیل غروب حزبشان بسادگی بر روابط رو بنائی پرداختند و بدون آنکه فلسفه مارکسیسم را مورد نقد و سؤال قرار دهند وقتی دیدند دیگر محال است از پس پرده فریب حزب توده و بنام آن بتوانند در آینده کاری کنند گناهان خود را بگردن آن انداختند و رسواترش کردند. همه حرف آنها همین بود که وابسته بودیم، منافقانه عمل میکردیم و خلاف قانون جمهوری اسلامی رفتار مینمودیم! ... نه اینها بر کسی مخفی بود و نه در مرام آنها این اعمال ناپسند است، سهل است با اعتقادشان لابد هدف وسیله را هم توجیه میکند و بآن افتخار هم باید کرد. مگر حرکت مارکسیستی با ۷۵ سال سابقه در ایران (از ۱۹۰۶) که بعد از شهر یور ۲۰ بشکل جدید در قالب حزب توده وارد صحنه شد جز خیانت چه گلی به سر این ملت زده است؟ خیانت به جنبش جنگل، تایید

رضاخان بعنوان نماینده بورژوازی ملی!، تظاهرات در پناه تانکهای روسی در تهران به حمایت از تسلیم نفت شمال به روسیه!، سوءاستفاده از احساسات مردم ستمکشیده و برپا کردن غائله آذر بایجان و کردستان و تلاش برای جدائی این دو استان، ائتلاف با حزب ارتجاعی قوام السلطنه و شرکت در کابینه ائتلافی (با سه وزیر)، برخورد خصمانه با نهضت ملی ایران و کارشکنی در دولت ملی دکتر مصدق، همکاری با جناحهای وابسته به استعمار انگلیس (معروف به توده نفتی)، زمینه سازی برای موفقیت کودتای ننگین ۲۸ مرداد و... آبرومندتر از همه! فرار سران حزب به بهشت موعود مارکسیسم و سپردن اعضا و هواداران به مسلخ شاه!!... البته برخی هم (مثل بهرامی و یزدی) بجای فرار، بمنجلاب سازش با حکومت وقت غلطیدند و برخی هم ستون فقرات نیروهای امنیتی شاه را تشکیل داده یا مغزهای متفکر رژیم جور شدند (امثال جعفریان، مجیدی، نیکخواه-آزمون و...) ناگفته نماند زرنگ ترهایشان هم مقاطعه کاریهای بزرگ و شرکتهای کلان سرمایه تشکیل دادند و برایش هرچه کارگر و پرولتر است خندیدند! از انصاف خارج نشویم تعدادی هم بنا بفطرت یا تاثیر ناخودآگاه تربیتی از بستر دینی جامعه، با شجاعت مقاومت کرده اعدام یا زندانهای طولانی زمان شاه را پذیرا شدند و برخی از آنها نیز ذخیره عبرت آوری برای مصاحبه های تلویزیونی دوران جمهوری اسلامی گشتند!

X این بظاهر طرفداران انقلاب و جمهوری اسلامی و مدعیان خط مردمی امام همانهایی هستند که قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ را همزبان با شاه ارتجاعی خواندند و همچون رادیو مسکوپوطی وار حرکت همین روحانیون را مبارزه ملاهای زمیندار علیه برنامه مترقی اصلاحاتی ارضی! معرفی نمودند! و معلوم نشد چگونه پس از پیروزی انقلاب و بازگشت پیروزمندانه آقایان از مسکو نظرشان معکوس گردید؟

و حالا که پرده ها افتاده و رازها برملا گشته و خدا از آنجائیکه هرگز گمانش را هم نمیکردند بسراغشان آمده (فاتاهم الله من حیث لم یحسبوا) در

حسرت آب رفته در جوی، با اتکالی که به پشتوانه اعمال گذشته داشتند لابد از خود میپرسند پس ۶۵ سال سابقه فعالیت کمونیستی، چهل سال تلاش منضبط حزبی و ربع قرن زندان کادرهائی از مرکزیت (که مجموع آنها را با احتساب دوران هجرت رهبران روسیه! و کشورهای بلوک شرق ۶۰۰ سال برآورد کرده اند)، تعلیمات جاسوسی در «ک. گ. ب.» و شرکت در کنگره ها و پلنوم های کمونیسم بین الملل، صدها روزنامه و مجله و کتاب، از سطح دبستان تا دانشگاه، اینهمه بحث و فحص و سخنرانی و پرسش و پاسخ و... چه شد و کجا رفت و چرا دستگیره ای برای نجات نشد و جانی بحساب نیامد؟ چرا روسنامه مردم! نه روسیه را بدخالت آورد و نه مردم را بحمایت؟ و چرا و چراهای دیگر... .

جواب این چراها را که بسختی عبرت انگیز است قرآن قبلاً در مثالی دیگر داده و چنین حسرت و زیان آشکاری را بروشنی هشدار داده بود. دریغا که گوش شنوا نداشتند:

مَسَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بَرَّتْهُمْ آَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ...

مَسَلُ کسانی که به پروردگارشان کافر شدند (بنده اربابهای دنیائی و ناسپاس و سرپوش گذار بر حقایق الهی شدند)، اعمالشان (نتیجه تلاشها و دستاوردهایشان) همچون خاکستری است که بر آن بادی بوزد (آنها نه باد معمولی)، در روزی طوفانی و منقلب! (ابراهیم ۱۸)

آیا بعد از طوفان چیزی از دستاوردهای پوک و خاکستر اعمال خود میتوانند جمع آوری کنند؟...

لَا يَقْدِرُونَ عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا

هرگز به جمع کردن مختصری از آنچه فراهم کرده اند هم قادر ننوهند بود.

ذٰلِكَ هُوَ الضَّلَالِ الْبَعِيدُ

اینست همان گم کردن بسیار دور! (ابراهیم ۱۹).

آیا جز سردی جفا و خیانت و خاکستر فریب و پوشش، نور و حرارت و

گرمائی اعمال این وابستگان بیگانه بنفع مردم داشته است؟ اعمال پوک و خاکسترگونه اینان (و سایر همفکرانشان در دیگر گروههای چپ) جز پوشاندن آتش، کدامین آب را بخاطر محرومین گرم کرده است؟ گرچه روزگاری خاکستر کفرشان نور حق را میپوشاند، اما سرانجام روز طوفانی فرا رسید (فی یوم عاصف) اعمالشان گرد هوا شد، نیرنگشان برملا گشت و آتش حقیقت جلوه و جلای خود را تابان تر نمود.

اینها که قدرت الهی را ندیده گرفته مسحور قدرت نظامی و تکنولوژی پیشرفته ارباب خود شده بودند از پوشالی بودن این ابرقدرت‌های! روزگار غافل بودند. مثال این غفلت را بازهم قرآن برای عقلهای تحلیل‌گر بزبانی و ظرافت تصویر کرده است و ناتوانی چنین قدرتمندانی را (چه شرقی چه غربی) علیرغم صنایع سبک و سنگینشان از آفریدن مگسی نشان میدهد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَأَنْ يَسْلُبَهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ.

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.

ای مردم مثلی زده شده خوب گوش کنید، کسانی که (ابرقدرت‌هایی که!) جز خدا میخوانید (سرسپرده و پیرو آنها می شوید) هرگز مگسی را هم نمیتوانند خلق کنند، گرچه همگی هم برآن اجتماع نمایند و اگر مگس چیزی از آنها برآید (علیرغم تکنولوژی پیشرفته) قادر به پس گرفتن از آن نخواهند بود! ناتوان و ضعیف اند، هم طالب و هم مطلوب!

خدا را آنچنان که سزاوار ارجمندی اش بود ارج نگذاشتند همانا خدا قوی عزیز (نیرومند صاحب عزت) است. (حج ۷۳ و ۷۴).

✘ وچنین است که در شعارنه شرقی نه غربی ابرقدرت‌های شرق و غرب از روسیه و آمریکای جنایتکار گرفته تا چین و انگلیس و... برای ما یکسان اند و در برابر قدرت قاهر پروردگار عزیز همه آنها را پوشالی میدانیم.

و اینک گرچه آن شجره خبیثه از آنجائیکه قرار و پیوندی با زمین و زمینه ملی و مردمی نداشت و در بیگانگی با فرهنگ و اعتقادات مردم گوئی بدون ریشه از روی زمین برجھیده بود کنده و با تند باد حوادث (فی یوم عاصف) بگوشه ای افکنده شده است:

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

مثل کلمه ناپاک مثل درخت ناپاکی است که از روی زمین برجھیده و آنرا قرار و ثباتی نباشد (ابراهیم ۲۶).

اما جوانه ها و شاخ و برگگی که قربانی ریشه بی ثبات خود شده، بزمین شکست سقوط کرده اند (اعضای ساده و هواداران حزب)، اکنون که از اسارت تنه آزاد شده فرصت استقلال پیدا کرده اند اگر پیوندی با زمین و زمینه مردمی پیدا کنند و ریشه ای در فطرت خداجوی خویش بدوانند امید است با بازگشت باصل خویش و قبول خالق یکتا برخلاف ریشه و تنه پوسیده دوام و قراری پیدا کنند و درآینده برخلاف اسلاف خود میوه و محصولی بنفع مردم رنجیده ایران عاید نمایند:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْثَرَهَا كُلًّا حِينَ يَأْذِنُ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.

آیا ندیدی چگونه خدا مثلی زد: سخن پاک چون درخت پاکی است که ریشه آن استوار و شاخه آن در آسمان گسترده است میوه خود را در هر زمان باذن پروردگارش میدهد و خداوند برای مردم مثلها میزند باشد که یادآور گردند. (ابراهیم ۲۵).

بسیاری از اعضاء و هواداران این حزب وابسته گرچه با غفلت اما بنابفطرت حق طلب با حسن نیت و قصد خدمت وارد این دام شده بهروزی

طبقه کارگر را در پیروی از دستورالعمل مارکسیسم می‌پنداشتند، آنها با شور و هیجان و احساسات جوانی بدون آنکه اشعاری به آلت دست بودن خود بکنند دیوارهای شهر را از شعارها و اعلامیه‌های حزب سیاه میکردند و آب در آسیاب بیگانه میریختند. آنها مشکلات فکری خود را از «پرسش و پاسخ» رهبرشان سؤال میکردند، تشنگی روحی‌شان را از آبشخوار آلوده حزب فرو مینشانند و استجابت نیازهای فطری خود را از اربابان سرسپرده و مکتب عقیم مارکسیسم طلب میکردند. اما بازهم قرآن در مثالی دیگر که گوئی ناظر به چنین هوادارانی است پوچی و بیحاصلی اینگونه دنباله‌روی و سرسپردگی را تصویر و تجسم میکند:

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ
إِلَّا كِبَاسِطٍ كَتَبْنَاهُ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ.

دعوت بحق از آن اوست (تنها خدا را طلبیدن حق است) و کسانی که جز او را میخوانند (رو بسوی مدعیان دروغین و مکاتب گمراه کننده می‌آورند) آنها پاسخگوی کوچکترین چیزی (از نیازهایشان) نیستند، مگر بمانند کسی که دودست خویش بسوی آب گشاید تا بدهانش رساند و اورسند بآن نیست، و دعای کافرین (خواستن‌ها و طلبیدنهای آنها نیز) جز در گمراهی و اشتباه نیست. (رعد ۱۴).

نه اینکه بقول پیردیرشان «به‌آذین» مارکسیسم در ایران به بن‌بست رسیده باشد، پنه این ادعا را مدتهاست فلاسفه و اندیشمندان زده‌اند و بن‌بستی که در پاسخگوئی به نیازهای انسان امروز گرفتارش شده‌اند آنچنان بدیهی است که سوسیالیسم علمی! را بیرنگ نموده است، منتهی در گوشه و کنار دنیای سوم عده‌ای هنوز علی‌آباد را شهری می‌پندارند و در کوی‌های سوخته و عطشان جوامع اسلامی جوانانی بدنبال اشباع تشنگی خود از سراب مارکسیسم هستند، دستهای خود را بسوی آن دراز میکنند، فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های فراوانی هم میکنند، اما در تقلید برداشتن آب از سراب سرانجام

مانند سران حزب توده به پوچی و بیحاصلی میرسند و آنچنان در گرداب گمراهیهای خود غرق میشوند که از پس تار یکپهای مکرر نور حق را نمی بینند:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِبًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّيَهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ.

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لَّجَجِي يَغْشَىٰ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَغْضًا فَوْقَ بَغْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرِيهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ.

آنان که کافر شدند اعمالشان مانند سرابی است در زمین هموار که تشنه آنرا آب مپندارد؛ و چون بسوی آن آید آنرا چیزی نیابد و خدا! را نزد خویش یابد، پس خدا حساب وی را برای او تمام بدهد و خدا زود بحساب میرسد؛

یا (اعمال ایشان) همچون تار یکی هائی است در دریائی عمیق، که فروپوشد آنرا موجی که از بالای آن موجی دیگر باشد و بر فراز آن ابری باشد: تار یکی هائی که برخی از آنها بالای برخی است، چون دست خود را بیرون آورد آنرا (کسی) نتواند دید! و هر کس را که خدا نوری برایش قرار ندهد هیچ نوری نخواهد داشت. (نور ۳۹).



✘ نهضت آزادی ایران بدلیل سابقه طولانی در مقابله با آفت مارکسیسم و آشنائی که در اینمدت با تاکتیکها و سیاست های کهنه سازمانهای مارکسیستی پیدا کرده بود بخاطر وظیفه اسلامی و رسالتی که احساس مینمود از هر فرصتی استفاده کرده هشدارها و تذکرات برادرانه ای به مسئولین امور و گردانندگان دولت انقلاب میداد و علیرغم اتهام تضعیف دولت و منصرف ساختن مردم از حمله بشیطان بزرگ و تراشیدن شیطان فرضی و... صبورانه این نابخردیها را تحمل مینمود ✘ نهضت آزادی با اطلاعیکه از استراتژی کلی کمونیستها در اتیوپی، افغانستان، یمن جنوبی و... داشت مطلع بود آنها طبق تئوری خیزش لنینی همواره زیر شعارهای جو غالب منافقانه عمل میکنند

و پشت چتر و سپر شعارها و سوگندهای دروغینی که میدهند مردم را از راه حق باز میدارند (اَتَّخَذُوا اٰیْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ) نهضت آزادی میدانست که احزاب کمونیست براساس رهنمودهای لنین، بانفوذ در نیروهای نظامی و انتظامی و رخنه در شوراهای (سویت‌ها) و نهادهای مختلف از یکطرف، و کارشکنی، جوسازی و ایجاد هرج و مرج از طرف دیگر مترصد شرایطی میمانند تا وقتی اوضاع به بن‌بست رسیده باصطلاح آچمز گردد آنگاه با یک جهش قدرت را در دست گرفته هژمونی طبقه کارگر را برقرار مینمایند .

✕ نهضت براساس این تحلیل، قبل از اعترافات سران حزب در مصاحبه‌های تلویزیونی (که جزئیات و روش آن برای ما روشن نیست) مرتباً به دولت و نهادها تذکر میداد و آنها را از خطر رخنه توده‌ایها در ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی آگاه میساخت ✕ اما متأسفانه این هشدارها کمتر مورد پذیرش قرار می‌گرفت و اکنون که بهمت و پشتکار برادران (که صدق عرایض ما را با اثبات رساندند) و پی‌گیری دقیق اطلاعات غیرمنتظره این لانه فساد برچیده شده است ضمن حمد و سپاس بدرگاه ایزدی و تشکر از تلاش برادران باید بدانیم که تنها باین دستگیری‌ها نباید دلخوش بود و بآن بسنده نمود زیرا اگر چه اعضای اصلی این شجره گرفتار شده‌اند اما آثار و عوارض مسموم و القانات فکری و ایدئولوژیک آنها در گوشه و کنار این کشور باقی است و جو غالب را تشکیل میدهد اینک وقت آن رسیده که خانه انقلاب را از تارهای عنکبوتی مارکسیسم یکسره نظافت و پاکسازی کنیم. فرهنگ مارکسیستی و تضاد دیالکتیکی و شیوه‌های استالینی را که حاصل القانات و جوسازی‌های این فرقه است باید بکلی از اذهان و فرهنگ سیاسی غالب شسته، بیرون بریزیم .

مگر مارکسیست‌ها (و بخصوص حزب توده) نبودند که تخم تفرقه و نفاق را پس از انقلاب میان گروه‌های اسلامی کاشتند و برادری‌ها را بخصوص تبدیل کردند؟ مگر همینها نبودند که درگیری سیاسی روانی را در جمهوری اسلامی آغاز کردند و جنگ حیدر نعمتی لیبرالیسم و ارتجاع را دامن زدند! شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، جوسازی، تهمت و برچسب زنی و ترور

شخصیت را رایج نموده، برفرهنگ سیاسی جامعه ما غالب گردانیدند، مگر همینها نبودند که واژه لیبرال را از فرهنگنامه مارکسیسم بیرون آورده سرزبان دوستان نادان انداختند^۱ و لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی را مطرح ساختند؟ مگر همینها نبودند که حملات را از خودشان متوجه بسیاری از گروههای سابقه دار اسلامی کردند و سعی نمودند از آنان هیولائی خیالی بسازند که درصدد براندازی دولت اسلامی میباشند! مگر همینها نبودند که روحانیت را به دوجناح ارتجاعی و خط امام تقسیم کردند و کوشیدند تفرقه و دودستگی را در این صنف دامن زنند؟ مگر همینها نبودند که شورای نگهبان را با برچسب لیبرالیسم اقتصادی ارتجاعی و غیرانقلابی لقب می دادند؟ و بالاخره مگر همینها نبودند که فرهنگ تضاد و تخاصم دیالکتیکی را جایگزین رفق و مدارا و اخلاق اسلامی نمودند و افشاگری و سب و لعن و افتراء و اتهام را رواج دادند، شیوه ای که متاسفانه هنوز هم در رسانه ها و مطبوعات رایج است.

✂ قرآن بمسلمانان هشدار داده است که بیگانه را (اعم از شرق و غرب) بخود نزدیک نکنید چرا که از هیچ کوششی در جهت آشفته کردن اوضاع و

۱- رفیق کیانوری در روزنامه مردم (شماره ۲۰ آذرماه ۱۳۵۹ صفحه ۶) میگوید: «بسیاری از واژه ها و اصطلاحات علوم اجتماعی را نخستین بار حزب توده ایران در مطبوعات ایران و در زبان فارسی به کار گرفته است، همین واژه «لیبرالیسم» و «بورژوازی لیبرال» هم که امروز دیگر به فحش تبدیل شده و اگر در مجلس بکسی بگویند لیبرال خودش را توهین شده تلقی می کند، مثل این که اولین بار توسط ما در فرهنگ سیاسی ایران وارد شده است، زیرا نخستین بار ما بودیم که در مبارزات سیاسی روی این مفهوم تکیه کردیم و حالا در مقیاس وسیع آنرا شناخته اند پس طبیعی است نیروهای اصیل انقلابی بتدریج به شناخت هائی برسند که در گذشته نداشته اند...»

«... بخشی از نیروهائی که امروز شدیداً علیه امپریالیسم مبارزه میکنند با همین لیبرالها که در دولت بودند همکاری نزدیک داشتند و اگر ما...»

✘ بیمار کردن مغز جامعه (فرهنگ و عقاید) فروگذاری نمیکنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا...

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همکار نزدیک و همراز خود را غیر از خودتان نگیرید آنها از بیمار کردن اندیشه شما فروگذاری نمیکنند. (آل عمران ۱۱۸)

✘ اما این هشدارها را جدی تلقی نکردند و علیرغم سوابق خائنانه حزب توده و خطوط وابسته، ادعای خط امام بودن آنانرا کسانی باور نمودند. درحالی که مارکسیست‌ها خدا و دین او و امام و حرکت و انقلاب اسلامی و جمهوری را قبول نداشته و ندارند و مواضع و ادعای در خط امام بودنشان مصداق واقعی نفاق است ✘

قرآن بدنبال آیه فوق این گونه نفاق را بمسلمانان هشدار داده بود:

إِذَا لَقُواكَ فَاُولَئِكَ أَكْثَرُ النَّافِقِينَ إِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ... هرگاه که شما را ملاقات میکنند میگویند ما ایمان آورده‌ایم و آنگاه که خلوت کنند انگشتان خود را از غیظ نسبت بشما بدنشان میگززند.... (آل عمران ۱۱۹)

براساس همین رهنمودهای قرآنی است که قطعنامه کنگره چهارم نهضت آزادی ایران (کنگره شهید چمران-آبان ۶۰) صریحاً اعلام داشته است که:

✘ ماهیت و عملکرد سلطه‌گرانه دو ابر قدرت شرق و غرب را که براساس جهان بینی های الحادی و شرک آلود است یکسان و مطرود میدانند. نهضت آزادی ایران هم چنین معتقد است که توجه آگاهانه به توطئه های امپریالیسم غرب و صهیونیسم و متحدینشان علیه جمهوری اسلامی ایران و ضرورت مبارزه با توطئه های آنان هرگز نمی تواند و

۱ - قاموس قرآن در معنای کلمه «خیال» چنین نوشته است: «خیال فساد است که بر حیوان عارض میشود و موجب اضطراب می گردد مثل جنون یا مرضی که در فکر و عقل موثر است... خیال بمعنای فساد است که در افعال و ابدان و عقول باشد.

نباید موجب بی توجهی به ماهیت و سرشت و عملکرد امپریالیسم روسیه و عوامل وابسته داخلی آنان بشود و یا مبارزه با نفوذ و وابستگی استعمار غربی مترادف باشد. با اتخاذ سیاست «درهای باز» در برابر شوروی و اعمار آن.

* * *

✘ سرنوشت عبرت انگیز سران خائن حزب توده و بن بست های مارکسیسم در ایران اسلامی تجلی تحقق وعده های الهی و مثالهای قرآنی است و موجب خوشحالی ملت ایران میباشد. اما همانطور که گفته شد این ابراز مسرت کافی نیست. اکنون که فرصت بازگشت باسلام اصیل، قرآن حکیم و سنت جامع پیامبر(ص) را پیدا کرده ایم باید بدانیم بازگشت مقبول بدرگاه الهی با اصلاح اشتباهات گذشته (خانه تکانی فرهنگی) و بیان آشکار خطاهای انجام شده است، یعنی زدودن کامل القائات مارکسیستی از روابط و رسانه های عمومی و بیان خطاها و بدگوئیها و دشمنی ها (در رابطه با برادران اسلامی) برای همان مردمی که باین راه کشانده شدند:

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّئُوا فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ عَلَيْهِمْ... (بقره ۱۶۱).
مگر کسانی که بازگشتند و اصلاح کردند و بیان کردند. پس بازگشت اینها را من می پذیرم.

اللهم وفقنا لما تحب وترضى

نهیضت آزادی ایران

اردیبهشت ۱۳۶۲

• نهیضت آزادی ایران امیدوار است بزودی نشریه تحلیلی میسوطی متکی بر اطلاعات و اسناد موجود در اختیار هموطنان عزیز قرار دهد.

نشریات جدید نهضت آزادی

- ۱/ - بررسی قانون اراضی شهری ۸۰ صفحه - ۵۰ ریال
- ۲/ - نگاهی به اوضاع لبنان ۸۴ صفحه - ۸۰ ریال
- ۳ - یاد نامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران
- ۳ - یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران ۱۳۷ صفحه - ۱۵۰ ریال
- ۴/ - شانزده آذر بقلم سردار رشید اسلام دکتر مصطفی چمران ۲۴ صفحه - ۴۰ ریال
- ۵/ - زندگینامه سردار رشید اسلام شهید دکتر مصطفی چمران ۴۳ صفحه - ۵۰ ریال
- ۶/ - شورای انقلاب و دولت موقت ۸۰ صفحه - ۸۰ ریال
- ۷ - تحلیلی درباره بازرگانی خارجی ۳۰ صفحه - ۳۵ ریال
- ۸ - صفحاتی از تاریخ معاصر ایران جلد ۱ - جریان تاسیس نهضت آزادی ایران ۴۲۰ صفحه - ۵۵۰ ریال
- ۹ - صفحاتی از تاریخ معاصر ایران جلد ۲ - نشریات داخلی نهضت آزادی ایران ۴۲۰ صفحه - ۵۵۰ ریال
- ۱۰/ - برخورد با نهضت و پاسخ‌های ما ۱۱۲ صفحه - ۱۲۰ ریال
- ۱۱/ - بررسی سفر هایزر به ایران ۹۶ صفحه - ۱۰۰ ریال

نشریاتی که توسط نهضت آزادی ایران توزیع میشود :

- ۱/ - گزارشی از لبنان - نامه دکتر مصطفی چمران به مهندس بازرگان شرکت سهامی انتشار - ۴۷ صفحه - ۴۰ ریال
- ۲ - بازیابی ارزشها - بقلم مهندس بازرگان جلد اول ۱۶۰ صفحه - ۱۶۰ ریال
- ۳ - بازیابی ارزشها - بقلم مهندس بازرگان جلد دوم ۲۳۰ صفحه - ۱۸۰ ریال
- ۴/ - مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان ۳۹۴ صفحه - ۴۸۰ ریال